

عدالت جهان خواران

سایت غیرحکومتی ویکی لیکس بروز ۲۵ جولای به تعداد ۹۱۰۰۰ اسناد مستند از وقایع جنگ در افغانستان را به نشر سپرد که عمده ترین ارقام آن عبارتند از :
روایت های پشت پرده جنگ افغانستان در فاصله سالهای ۲۰۰۴ تا آخر سال ۲۰۰۹ ، کشتار هزاران نفر بیگناه افغانستان.

- سازماندهی عملیات های مخفی " بگير و بکش " بوسیله نظامیان امریکایی
- تجهیز و کمک همه جانبه طالبان و ارتقای توان رزمی آنها بوسیله پاکستان

- افشای چهره واقعی زمامداران مکار و جنرالان دوروی پاکستان که در ظاهر متحد ایالات متحده امریکا در جنگ با تروریسم و در خفا متحد تروریستان میباشند. متکی بر اسناد متذکره روز نامه گاردین نوشت که در ماه اپریل ۲۰۰۷ استخبارات پاکستان به مقدار ۱۰۰۰ موتر سایکل به گروه حقانی متحد طالبان در عملیات های رزمی و انتحاری داده است. رادیوی آلمان طی تبصره بر محتوای اسناد افشا شده تأیید نمود که : پاکستان بصورت فعال با شورشیان افغان همکاری کرده است. به نمایندگی شبکه استخباراتی خود اجازه داده است تا در جلسات مخفی استراتژی بصورت مستقیم با طالبان ملاقات کنند، آنهائیکه شبکه های ملیشه های جنگی را علیه نیروهای امریکایی در افغانستان بکار انداخته اند و حتی طرح قتل رهبران افغانستان را می ریزند.

سردمداران ایالات متحده امریکا و پیمان اتلانتیک شمالی و بعضی کشورهای عضو آن در مورد نشر این اسناد عکس العمل های مختلفی نشان داده اند.

بارک اوباما رئیس جمهور امریکا از درز اسناد محرمانه در رسانه های گروهی ابراز نگرانی نموده طی مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت : " من نگران افشای اطلاعات حساس از میدان نبرد هستم که بطور بالقوه میتوانند بعضی از افراد و عملیات را در معرض خطر قرار دهند."

عکس العمل ها و هم تبصره های وسیع رسانه های گروهی معتبر جهان از جمله روزنامه نیویارک تایمز ، روزنامه گاردین و مجله شپینگل و دیگران نشاندهنده آنست که محتوای اسناد نشر شده و تاثیر آن بر اذهان عامه جهان دارای اهمیت فراوان میباشد.

مذاکرات ستراتیژیک که در باره تعیین سرنوشت افغانستان ادامه دارد و آنرا دولت وارد کابل و حامیان خارجی آن پیش میبرند از آنجائیکه مسئله مصالحه با هریک از نیروهای سیاسی و یا نظامی افغانی و منجمله با کته گوری های مختلف طالبان بمثابه بخشی از اهالی افغانستان براساس منافع ملی و طی مذاکرات بین الافغانی با میانجگری سازمان ملل متحد نمیشد و از همینرو است که بازگشت صلح و ثبات را به افغانستان ناممکن ساخته اند. شاید میخواهند که مردم افغانستان باید مجبور شوند تا کاملاً خود را با سناریوی که جهان خواران برای شان تدوین کرده اند انطباق دهند. این اساس هسته درونی فشاری است که به افغانستان وارد میکنند. زمانیکه افغانستان در دهه نود سده پیش در سراشیب سقوط نظام قرار گرفت امپریالیزم با وجود آگاهی از خطرات که این فروپاشی دربرداشت با نقشه های معینه در راه این فروپاشی قدم برداشتند. علی الرغم آنکه بخوبی از تضادهای بنیادی راست و چپ و بخصوص خطراتیکه مردم افغانستان را تهدید میکرد آگاهی داشتند اما ستراتیژی تعیین شده بوسیله آنها خواست مشخص و بدون چون و چرا آنها که خواهان کامل نفوذ در افغانستان و بدینگونه توان تاثیرگزاری بر نواحی وسیع این حوزه مدنظر است فوق العاده تشویش آور است.

نه تنها امریکا بلکه بسیاری از نیروهای امپریالستی از جمله اتحادیه اروپا ، در راس آن انگلستان در تهیه و تدارک سناریوی این ستراتیژی نقش کلیدی داشت و امپریالیزم میخواست به خواسته خود که نخست فروپاشی کامل و بعداً اشغال افغانستان ، این کشور پهناور و زیبا برسد. بهای این فروپاشی برای مردم بلاکشیده افغانستان بسیار سنگین بود. افغانها زمانی ذریعه بن لادن و زمانی بوسیله مجاهد و طالب ووقتی هم توسط جنرال های پاکستان مجازات شدند. و بهای سنگین جنگ و مصایب ناشی از آنرا ، جنگی که طولانی تر از هر دو جنگ جهانی میباشد ، کماکان میپردازند. چرا؟! حتماً بخاطریکه کشور شان در چهار راه آسیا واقع شده است! اندازه سنگینی این همه مصائب و بهای بزرگ برای اربابان مستقر در واشنگتن ، لندن و بروکسل کدام فرقی ندارد.

درهم پاشیدن افغانستان کافی نبوده ، امپریالیزم برای کسب کامل قدرت در کشورهای این منطقه باید آنها را به شبه مستعمرات تحت فرمان خود درآورد و این مستعمرات نباید توان و خواستی برای داشتن سیاست های مستقل از دستورات آنها داشته باشند. بناء به همین دلیل

سردمداران جهان سرمایه داری کاملاً در تضاد با قوانین بین المللی و اساسنامه ملل متحد ، افغانستان را مورد هجوم نظامی قرار دادند و آنرا اشغال کردند.

جنگی که به بهانه تروریزم براه انداخته شده به هیچصورت به این هدف پیش برده نشده و هیچگاه در صدد اعطای حق حقهٔ افغان ها به آنها نمی باشند ، کشور مستقل و آزاده دموکراتیک ، خانهٔ فراخ و زیبا برای ساکنان آن اینها اند حقوق مشروع و طبیعی مردم افغانستان که از آن محروم ساخته شده اند.

آنچه برافغانستان میگذرد ، هر انسان باوجدان را متاثر میسازد ، زیرا در آنجا موضوع سرنوشت این شخص و آن شخص نیست بیشتر از آنست. صحبت از آنست که جهانخواران به عنوان فاتحین خواهان از بین بردن استقلال آن میباشند تا سرانجام نظم خود را بر مردم این گوشهٔ جهان تحمیل کنند. استقلال دیگران برای غارتگران جهان اهمیتی ندارد. چنانچه سرنوشت مردم بلاکشیده ما از بیست سال بدینسو برای اینان و سازمان ملل متحد کمترین اهمیتی نداشته است. افغانها میپرسند که چرا جنرالان و زمامداران دوروی پاکستان که اعمال زشت شان در سایت های ویکی لیکس و روزنامه های معتبر جهان نیوریارک تایمز ، گاردین و مجله شپیگل و ...به نشر رسید و افکار عامه جهان را متاثر داشته است ، به محاکمه کشانیده نمی شوند.